



سَطَاهِيرُ وَتَنْوِيرُ الْقُلُوبِ

اثر:

مولانا المعظم حضرت شاہ مقصود صادق عثمّا

”ہیرادیس“

فارسی
عربی
فرانسہ
انگلیسی
آلمانی



Reinigung und Erleuchtung des Herzens

von
Molana-al-Moazam Hazrat
Shah Maghsoud Sadegh Angha

„Oveyssi“

Deutsch
Englisch
Französisch
Arabisch
Persisch



۶۶۰۸۴



تَطَاهِيرُ قُلُوبِ

اثر:

مولانا اعظم حضرت شاہ مقصود صادق عماد

”پیرادسی“

نام کتاب: تطهیر و تنویر القلوب
نام مؤلف: حضرت مولانا المعظم شاه مقصود صادق عنقا پیر طریقت اویسی
تاریخ تألیف: پانزدهم بهمن ماه ۱۳۶۷ شمسی
نوبت چاپ: بیست و سوم
تیراژ: یکصد هزار جلد
این کتاب در مرکز انتشارات و چاپخانه مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی بطبع رسیده است.

حق طبع و انتشار و نقل تمام و یا جزئی از متن این کتاب تحت
هر عنوان و وسیله در سراسر ممالک بدون کسب اجازه قبلی
از مدیر عامل مکتب طریقت اویسی شاه مقصودی ممنوع است.

The Purification and Enlightenment of Hearts
By: Molana-al-Moazam Hazrat Shah Maghsoud
Sadegh Angha „ Oveyssi“

Copyright © 1989 by M.T.O. SHAHMAGHSOUDI (School of Islamic Sufism)
ALL RIGHTS RESERVED -- COPYRIGHT THROUGHOUT THE WORLD.
No part of this publications may be reproduced in any form or by any means without
the express prior written consent of holder of Copyright the president of MAKTAB
TARIGHAT OVEYSSI SHAHMAGHSOUDI.

هو العالی

ملاقاتهای مکرر عده‌ای از اساتید محترم دانشگاه قاهره و دانشمندان محقق مصر از حضرت پیر طریقت اویسی در ایران مبداء تاریخی دو واقعه عظیم تاحال است که وهله اول آن به ترجمه و نشر دو گنجینه از آثار منتشره مکتب اویسی یکی بنام **من الفكر الصوفی الایرانی** (مجموعه ترجمه اساتید آقایان دکتر ابراهیم شتا و دکتر سباعی از چهار اثر حضرت ایشان بنامهای پیام دل، نیروان، آواز خدایان و پدیده‌های فکر بزبان عربی است) و دیگری بنام **رحلة الانسان من الجنین الی الجنان** (ترجمه عربی از متن کتاب «از جنین تا جنان» اثر حضرت پیر معظم مولانا میرقطب‌الدین محمد عنقا پیر طریقت اویسی است) انجامید که مقدمه شگرفی جهت ظهور واقعه دوم گردید. اظهار اندیشه‌های حقیقی و تحقیقی و تبیین حقایق عرفان اسلامی از طرف حضرت ایشان موجب دعوت‌های صمیمانه آن بزرگواران علاقمند شد. در اجابت این دعوات بود که صاحب ارشاد ناطق بحقائق حضرت شاه مقصود صادق عنقا پیر طریقت اویسی بمصر عزیمت فرمودند. نتیجه این مسافرت علاوه بر ایراد سخن‌رانی‌های مهم عارفانه در دقایق دین مبین اسلام و فرهنگ عرفان اسلامی

ایران، افاضه رسالات دقیق و مهم چهارگانه از مؤلفات حضرت ایشان در بیان حقایق و دقایق ارشادی و عظیم اسلام: تطهیر و تنویر القلوب، مقاصد الارشاد، الصلوة، و سراج الهدی در سیر مسالك اهل هدایت است که اصلاً بزبان عربی در قاهره - مصر طبع و در تمام کشورهای عربی زبان منتشر شد.

از آنجائیکه ترجمه فارسی و انتشار رسائل موصوف بدلائل اعتقادی و فرهنگی در ایران حائز کمال و جوب و اهمیت بود، به تدوین و طبع و انتشار آن در زمانی کوتاه همت گمارده، امید است که این خدمت مقبول در گاه حضرت احدیت کماهو حقه قرار گیرد.

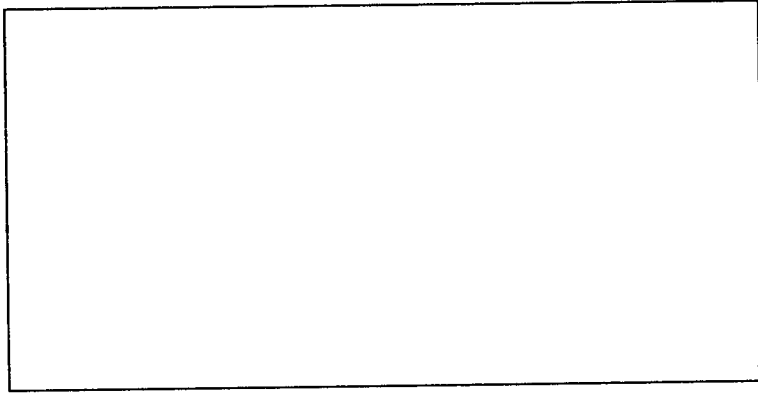
بیمقدار: صلاح الدین علی نادر عنقا اویسی

بیستم اردیبهشت ماه ۲۵۳۷

دوم جمادی الثانی ۱۳۹۸

دهم می ۱۹۷۸

تَطْهِيرُ قُلُوبِ



تَطَاهِيرُ قُلُوبِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ 9 به نستعین

ای فرزند خداوند ترا تأیید فرماید، تا بهمت ذاتی، نفست زیر بال
مشایخ باذن خداوند ملك منان تربیت نشود محال بنظر میرسد که بتجلیات
حق از وراء حجب نفسانی متجلی گردی و راه برای تو روشن گردد. بتحقیق که
اصحاب قلوب برای طالبان امر نفی خاطر را تأکید کرده اند و به تجمع قوای
روحانی میتوان پرده های علائق نفسانی را پاره کرده و بیاری خدای از در دل
وارد و در طریق حق سیر کرد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «ارفع همتك و وکل
الیه امر ما یمک» یعنی همت خود را بلنددار و آنچه بر تو مهم است بر آن واگذار.
در حماسه حیات گفته ام:

نشود ذوق دلت پست هوی	آنچنان باش که در جمع قوی
که همین معنی جانست ترا	جمع کن آنچه توانست ترا
که شود پاک ترا آئینه	صیقلی کن به حقیقت سینه
در وجودت همه هستی موجود	جمع شو تا شود از جذب وجود
در سماوات شود قابل سیر	دل چو شد پاک بکلی از غیر

منشرح گشت چو جان در سینه حقی کند جلوه در آن آئینه
 جان چو بی نقش و مجرد گردد سالک دین محمد (ص) گردد
 جان بجانان چو رسد جان یابی در سویدای دل ایمان یابی

عروج مرد بهمت اوست همچنانکه پرواز پرندگان به دوبرال آنها، پس از این جهت در صفای آئینه دل بکوش تا تجلیات حق بدون شائبه و شک در آن منعکس شود و حسن یار بقوت مداومت ذکر بمعاینه مکاشفه آشکار گردد.
 شعر:

شرط عاشق نیست با یکدل دو دلبر داشتن

یا ز جانان یا زجان باید که دل برداشتن

خدای تبارک و تعالی فرموده است: ایس الله بکاف عبده (۳۶ - ۳۹)،
 ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه (۴ - ۳۳) یعنی آیا خدای بنده خود را کافی نیست؟ خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل قرار نداده است. هر دو جهان فنانی تجلی دوست گردان اگر میخواستی حیات جاودان یابی. مولا علی علیه السلام فرمود: ترا بطمع بهشت و خوف از آتش عبادت نکردم بلکه ترا سزاوار پرستش دیدم پس پرستیدم.

عبادتنی که بصدق دل و شوق جان نباشد، بطمع غنیمت های دنیا و بهدف نعمت های بهشت و حور و قصور است. اهل باطن گفته اند: الدنیا حرام علی اهل الاخرة والاخرة حرام علی اهل الدنیا و کلاهما حرامان علی اهل الله. (دنیا بر اهل آخرت حرام است و آخرت بر اهل دنیا و هر دو بر اهل خدا.) و از این جهت مجربان علوم باطنیه و عرفاء عالی مقام به پیروی انبیاء و تأثیر هدایت ایشان بر سالکان طریق خدا جهة تزکیه و تصفیه باطن، ترك تعلقات دنیوی را تأکید کرده اند. مولانا المعظم حضرت میرقطب الدین محمد عنقا در بعض فقرات

تعلیمات خود فرموده است:

دلی که در بند بیش و کم است دل نیست شکم است.

در مذمت دنیا و دنیاداران و در تجلیات فرموده‌اند:

چیست دنیا همچو مرداری بمرداب اندرون

کیست دنیادار مردابی چنین مردارخوار

جنس خود را پرورد دنیا از این آب و علف

جان آدم را نباشد سازمانش سازگار

کام دنیا هست سیلی کوه از بنیاد کن

مشت خاکی چون کند با سیل اندر کوهسار

دست مهری گر نوازد می‌نهد بر پات بند

تا کمر بندی ز شهوت خدمتش را بنده‌وار

باز گونست این فلک تا اهل دانش پی‌برند

کارهای بازگوش را که نبود راستکار

بود او نابود و در سودش زیان در خیر شر

مهر او قهراست و شهدش زهرواخیارش شرار

دو عالم را بیکدم از دل تنگ برون کردیم تا جای تو باشد

ای‌الله ان یجری الامور الی‌اسبابها. خداوند ابا دارد از اینکه امور را جاری کند

مگر با سببش، و اسباب ناچار از اتصال به مسببات خویش است. امور بزرگ را

با آرزو نمی‌توان بدست آورد و با خواهش نمیتوان تحصیل کرد. در هر صنعت

از ارباب آن یاری جوئید و بخانه‌ها از درها وارد شوید.

مولانا جلال‌الدین علی میرابوالفضل عنقا پیر اویسی فرموده است:

ز تجرید هو اعیسی بخرخ چارمین بر شد تو هم روح مجرد شوز آرایش رسی آنجا

پس در اول کار، بحکم طلب باطنی واجب است استاد ماذونی بحق از حقیقت طلب کنی که بمخاطرات و ورطات طریق آنگاه بوده و رد و قبولش رد و قبول حق باشد، آنگاه بصحبت او مشغول گردی یعنی اسیر غم او گشته و بدل ذره‌ای از خواطر نفسانی راه‌نهدی و بسوئی جز او متمایل نگردی. باعتقاد من این طریق روحانی همان پیروی از دین مبین اسلام و گرایش بحضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است.

عارف معارف حکمت و عالم عقل و فضل و معرفت حضرت جلال الدین علی میرابوالفضل عنقا در آثار خود بنقل از شیخ عالم عامل کامل محقق نجم‌المله و الدین الکبوری قدس الله روحه‌العزیز فرموده است: تصوف بر سه مرتبه است: شریعت و طریقت و حقیقت. فرمود: شریعت مانند کشتی است و طریقت مانند دریا و حقیقت مانند در پس هر کس خواستار در گردید کشتی را سوار شده راهی دریا میشود و به در میرسد. هر کس این ترتیب را ترک کرد بحقیقت نرسید. یعنی اول چیزی که بر طالب واجب است شریعت است و مراد از شریعت همانست که خدا و رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده از وضو و نماز و روزه و زکوة و حج و ترک حرام و غیر از اوامر و نواهی بشرایط معلوم و حقیقی، و طریقت بملازمت تقوی است و آنچه ترا به مولی نزدیک کند، چون قطع منازل و مقامات. و اما حقیقت پس همان وصول بمقصد است و مشاهده نور تجلی چنانکه در نماز گفته شده است: ان الصلوة خدمة و قربة و صلة. خدمت همان شریعت است و قربت همان طریقت و وصلت همان حقیقت، و نماز جامع این خصال سه‌گانه است چنانکه گفته شده است: الشریعة ان تعبد و الطریقة ان تحضره و الحقیقة ان تشهد. یعنی شریعت بندگی حق است بحق و طریقت حضور در حق است بحق و حقیقت مشاهده حق است بحق انتهى.

صدق را در عبادات چراغ راه خود ساز تا بصورت و معنی طهارت حاصل کنی. انما يتقبل الله من المتقين (۲۷-۵) (جز این نیست که خدا عبادت از صاحبان تقوی قبول میکند) و فرموده: قل انفقوا طوعاً او كرها لن يتقبل منكم انکم کتمتم قوماً فاسقین (۵۴-۵۳-۹) (بگو اگر بمیل یا با کراه انفاق کنید هرگز از شما قبول نمیشود زیرا شما قوم فاسق بودید) و مانع قبول صدقات فاسق فسق اوست. کسی که براو پوششی حرام از اکل حرام باشد خداوند از او نه حرفی و نه عوضی قبول نکند و ترك يك لقمه حرام پیش خداوند محبوب تر است از دوهزار رکعت نماز تطوع و باز داشتن رفیق از حرام برابر است با هفتاد حج مبروره.

مولانا المعظم جلال الدین علی میر ابو الفضل عنقا قدس سره فرموده است: طهارت در شریعت به آب است و در طریقت به تخلیه از هوای نفس، نماز در شریعت با ذکر و ارکان است و نماز طریقت به جدا شدن از موجودیتها و توجه کلی به رحمن و استغراق در لذات مناجات در هر زمان و مکان. خدای تبارک و تعالی فرموده است: رجال لاتلهیهم تجارة و لایبع عن ذکر الله (۳۷-۲۴) یعنی مردانی که تجارت و خرید و فروش آنان را از ذکر خدای باز ندارد.

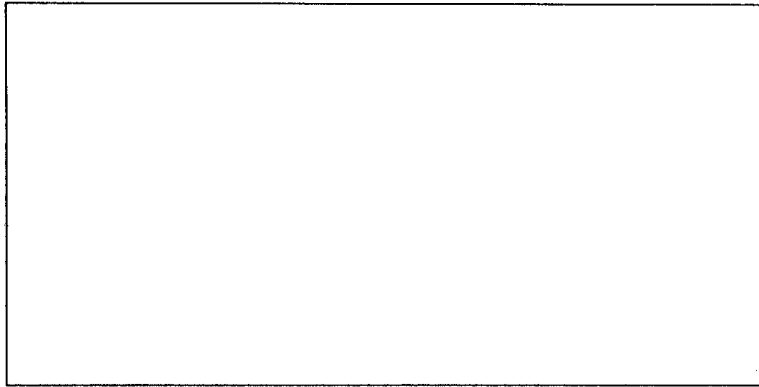
صوم شریعت به امساک از اکل و شرب و غیر آنهاست و صوم طریقت به امساک از اوهام و اشتغال به محبت رب الانام. زکوة شریعت از هر بیست مثقال نصف مثقال است و زکوة طریقت تصدق به تمام مال و زکوة حقیقت بایشارجان انتهی. و اما حج در شریعت زیارت بیت الله است و در طریقت زیارت تجلیات الله تعالی و در حقیقت حج فناء فی الله است. حج همان زیارت بیت است و حج مردان خدا زیارت صاحب خانه.

هنگامیکه سالک آنچه را که ذکرش گذشت رعایت کند بشرح صدرخود رسیده و در اطوار عبادات و طاعات، زبان و جوارح بانوار ملکات نفسانیه تقویت میشود و مصداق قول تعالی میگردد که: **الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور (۲۵۷ - ۲)** (خدای ولی مؤمنان است و آنان را از ظلمات به نور در میآورد) و بحکم اخلاصش، چشمه‌های حکمت از قلب او بزبانش جاری میشود و چیزهایی را میبیند که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده و تجلیات صفات را به عین عیان میبیند. هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را خواهد چشم دلش را باز کند و درسوگ امرش را به جذبہ برساند و نسیم رحمت را به او ملحق سازد و بکرامات ذاتی او را مساعدت و یاری نماید.

یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه. (۶-۸۴) (ای انسان تو در خود میکوشی بسوی پروردگارت پس او را ملاقات خواهی کرد.)
 آنچه بر زبان قلب آمد بر ورق رسم کردم چه بسا که قلب را صاف کند و سرحق بخوانی، حرفی دیگر دارم و وجدی دیگر ولیکن برای شنیدنش گوشی دیگر میخواهم و هوشی دیگر. از بنده مجاهده در آمادگی است و بر خداوند هدایت و ارشاد و ما توفیقی الا بالله والله المستعان و علیه التکلان.
 تحریر یافت در روز سه‌شنبه بیست و چهارم ذی‌القعدة سنه ۱۳۹۷ از هجرت حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم. قاهره - مصر

والسلام علی من اتبع الهدی. شاه مقصود صادق بن محمد عنقا

تَطْهِيرُ قُلُوبِ الْقُلُوبِ



بسم الله الرحمن الرحيم وبه ثقتي

أى بنى أيدك الله •

ما لم ترب بهمة نفسك الجوهرية تحت أجنحة المشايخ باذن الله الملك المنان فانه يبدو محالا أن تتجلى تجليات الحق من وراء الحجب النفسانية وتنير لك الطريق فلقد أكد أصحاب القلوب أمر نفى الخاطر للطالبيين ، بتجمع القوى الروحانية وأنهم يستطيعون أن يمزقوا حجب العلائق النفسانية • بعون الله أدخل من بوابة القلب وسر في طريق الحق • قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم « ارفع همتك ووكّل اليه أمر ما يهمك » • وقلت في مثنوى ملحمة الحياة (حماسه حيات) :-

كن فى «جمع» القوى بحيث لا يصير قلبك ذليلا بالهوى
فاجمع قواك بقدر ما تستطيع فان نفس هذا الامر هو الروح لك
فاجلو الصدر بالحقيقة بحيث تصير مرآتك طاهرة
اجمع حتى يصير لك من جذب الوجود ، كل الوجود فى وجودك
وعندما يصير القلب طاهرا كليته عن الغير يصير قابلا للسير فى
السموات

وعندما تنتشرح الروح فى الصدر يتجلى الحق فى تلك المرآة
عندما تصير الروح مجردة - لا نقش فيها تصير سالكة فى دين محمد
صلى الله عليه وآله وسلم •
وعندما تصل الروح الى الأحبة تجد الروح وتجد الايمان فى سويداء
القلب •

لأن المرء يطير بهمته كما يطير الطير بجناحيه • ومن ثم فجاهد فى صفاء
مرآة القلب حتى تنعكس فيها تجليات الحق دون شائبة أو شك ويصير حسن
الحبيب بقوة مداومة الذكر عيانا ومكاشفة •

ليس من شرط العاشق ان يعشق حبيبين
فاما ان تخلع القلب من حب الأحبّة أو من حب الروح

قال الله تبارك وتعالى : أليس الله بكاف عبده ، وما جعل الله لرجل
من قلبين في جوفه •

– اجعل العالمين فداء لتجلى الحبيب اذا اردت ان تبقى في الحياة الخالدة،
ما عبيدتك طمعا في جنّتك ولا خوفا من نارك بل وجدتك أهلا لذلك فعبدتك
ان العبادة التي لا تكون بصدق القلب وشوقه تكون طمعا في مغايم الدنيا أو نعيم
الجنة والحدور والقصور • قيل : الدنيا حرام على أهل الآخرة والآخرة حرام
على أهل الدنيا وكلاهما حرام على أهل الله ، ومن ثم فان أهل العلوم الباطنية
والعرفاء علاة المقام ، الذين تابعوا الأنبياء واقتدوا بهديهم ، أكدوا على
سالكي طرق الله أمور التزكية وتصفية الباطن وحثوهم عليها • قال سيدنا
ومولانا المعظم مير قطب الدين محمد عنقا : ان القلب الذي هو في قيد
القليل والكثير ليس قلبا بل هو بطن • لقد أخرجنا العالمين دفعة واحدة
من القلب حتى يصير مكانا لك •

أبى الله أن يجرى الأمور الا بأسبابها ، والأسباب لا بد من اتصالها
بمسيباتها • ان الأمور العظام لا تنال بالتمنى ولا تدرك بالهوى • استعينوا
في كل صنعة بأربابها واتوا البيوت من أبوابها •

قال مولانا جلال الدين على مير ابو الفضل عنقا بير أويسى : من تجرد
عن الهوى سعد مثل عيسى الى الفلك الرابع ، فكن أنت أيضا روحا مجردا
تصل من كدرك الى هناك ، ومن ثم يجب عليك في البداية ان تطلب مرشدا
من قبل الحق حتى تصير عالما بمخاطر الطريق ، وتصير في صحبته مشمولا
برعايته فلا تفكر وفق هواك مثقال ذرة ولا تميل الى ناحية ما وفي اعتقادي
أن طي الطريق الروحاني هو الانتفاع من دين محمد صلى الله عليه •

قال عارف المعارف الحجة عالم العقل والفضل والمعرفة حضرة جلال الدين
على مير أبو الفضل عنقا في تعاليمه قال الشيخ العالم العامل الكامل المحقق
نجم الملة والدين الكبرى قدس الله روحه العزيز : التصوف ثلاثة أنواع شريعة
وطريقة وحقيقة • الشريعة كالسفينة • والطريقة كالبحر • والحقيقة كالدر •
فمن أراد الدر ركب السفينة ثم شرع في البحر ثم وصل الى الدر ، ومن ترك
هذا الترتيب لم يصل الى الحقيقة ، يعنى أول شيء وجب على الطالب هو

الشريعة والمراد من الشريعة ما أمر به الله ورسوله من الوضوء والصلاة والصوم والزكاة والحج وترك الحرام وغير ذلك من الأوامر والنواهي .
والطريقة الأخذ بالتقوى وما يقربك الى المولى من قطع المنازل والمقامات وأما الحقيقة فهي الوصول الى المقصد ومشاهدة نور التجلى ، كما قيل فى الصلاة ان الصلاة خدمة وقربة ووصلة ، فالخدمة هي الشريعة والقربة هي الطريقة والوصلة هي الحقيقة ، والصلوة جامعة لخصال هذه الثلاثة . كما قيل الشريعة أن تعبد ، والطريقة أن تحضره والحقيقة أن تشهده - انتهى .
واجعل الصدق مصباحك فى العبادات حتى تحصل على الطهر صورة ومعنى ،
« انما يتقبل الله من المتقين » (١) ، « وما منعهم أن تقبل منهم نفقاتهم الا أنهم كفروا بالله » (٢) - أى ما منعه من قبول صدقاتهم الا كونهم فاسقين .
لن يقبل عمل رجل عليه جلباب من حرام ، من أكل حراما لن يقبل الله منه حرفا ولا عدلا ، ولترك لقمة حرام أحب الى الله من الفى ركعة تطوعا .
رد رفيق عن حرام يعدل سبعين حجة مبرورة .

قال مولانا المعظم جلال الدين على مير أبو الفضل عنقا قدس سره :
« الطهارة فى الشريعة بالماء والطهارة فى الطريقة بالتخليصة عن الهوى .
وقال أيضا : صلوة الشريعة بالأذكار والأركان وصلوة الطريقة بالانخلاع عن الاكوان والتوجه بالكلية الى الرحمن واستغراقه فى لذات المناجات فى كل زمان ومكان ، »

قال الله تبارك وتعالى : « رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله » . (٢) وصوم الشريعة بالامسك عن الأكل والشرب وغيرها وصوم الطريقة بالامسك عن الأوهام والانشغال بمحبة رب الانام . زكاة الشريعة من كل عشرين مثقال نصف مثقال وزكاة الطريقة التصدق بكل المال . وأما الحج فى الشريعة فهو زيارة بيت الله والحج فى الطريقة زيارة تجليات الله تعالى والحج فى الحقيقة فناء فى الله ، ان الحج هو زيارة البيت وحج أهل الله فتوة .

وحين يرعى السالك ما سبق ذكره يصل الى شرح صدره ، وتقوى

(١) قرآن كريم : سورة المائدة آية ٢٧

(١) قرآن كريم : سورة التوبة آية ٥٤ .

(٢) القرآن الكريم : سورة النور آية ٣٧

(٤) القرآن الكريم : سورة البقرة آية ٢٥٧

أطوار العبادات وطاعات اللسان،
مصدقاً لقوله تعالى : « الله
النور » ، (٤) ، وبحكم إخلاصا
ويعاين بما لا عين رأت ولا أد
تجليات الصفات بعين العيان
فى السلوك الى « الجذبة » ، ود
ويمده . يا أيها الانسان انك

ما ورد على لسان القد

ربما تجعل

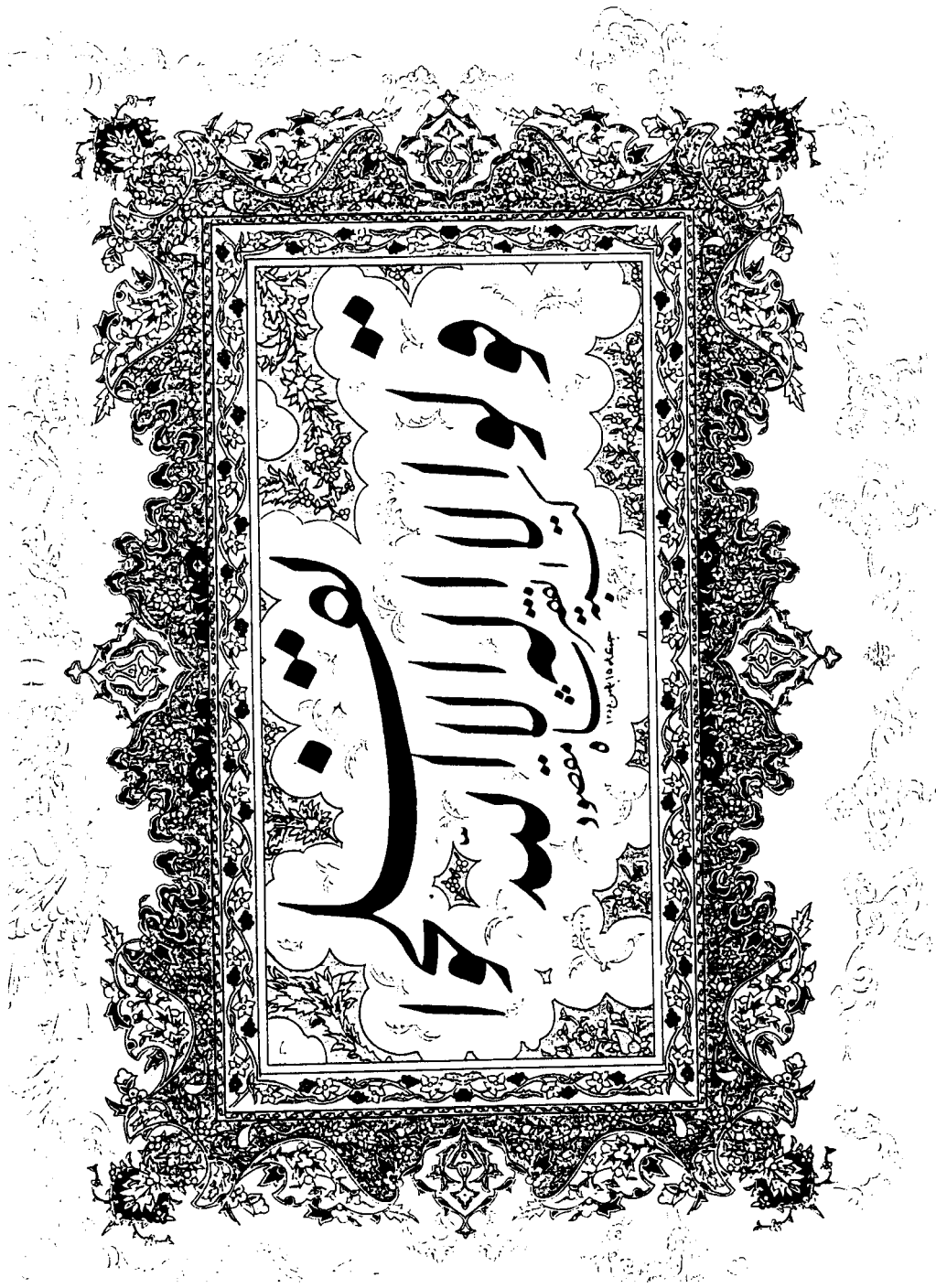
عندى كلام آ

ولكننى أريد أذننا أخرى ووعيا آخر

فمن العبد المجاهدة فى الاعداد وعلى الله الهداية والارشاد وما توفيقى
الا بالله والله المستعان وعليه التكلان .

القاهرة - مصر - يوم الثلاثاء الرابع والعشرين من ذى القعدة
سنة ألف وثلاثمائة وتسعين وسبع لهجرة المصطفى (ص)
والسلام على من اتبع الهدى .

« شاه مقصود صادق بن محمد عنقا »



Etre pèlerin suivant la tradition est visiter la maison d'Allah; dans le parcours suivant, c'est témoigner de la présence d'Allah le Très Haut, pour arriver enfin jusqu'à se perdre dans Allah. Etre pèlerin c'est visiter une maison, être pèlerin de Dieu, c'est visiter le Maître de la maison.

Quand le Soufi (SALEK) aura parcouru toutes ces étapes, il aura atteint le degré suprême de la dévotion et de la soumission à Dieu; ses paroles et ses actions seront renforcées par la Divine Lumière et il sera comblé de bénédictions.

Ainsi, que le Très Haut l'a promis; "Dieu protège ceux qui ont la foi; il les tire des profondeurs vers la lumière" (Coran 2.257)

Dans cet état de pureté, le Soufi verra les flots de savoir monter de son coeur à ses lèvres; il verra ce que nul oeil n'a vu, entendra ce qu'aucune oreille n'a entendu et sera le témoin de ce qu'aucun coeur n'a contemplé.

Chaque fois que Dieu désire la satisfaction de Son serviteur, il ouvrira les yeux du coeur de celui-ci et au long du voyage vers la vérité (SOLOUK) il remplira Ses Promesses, l'environnera de Ses Bénédictions et par Sa Bonté le soutiendra et le guidera.

"O homme, il est vrai que ton voyage vers Dieu est un dur voyage; mai au bout de ta souffrance tu le rencontreras" (Coran 84.6)

Tout ce qui m'a été révélé dans mon coeur, je l'ai écrit; puisse cet écrit purifier votre coeur à travers le mystère de Dieu. Mais j'ai d'autres choses à dire, d'autres joies à rapporter.

Toutefois, celà demande pour l'entendre une autre approche et une autre clarté. Le serviteur de Dieu doit respecter ses engagements; c'est de Dieu que viennent secours et lumière et seulement à Lui que nous demandons grâces, conseils et refuge.

Nous remercions ceux qui nous guident
Shah Maghsoud Sadegh-ibn-Mohammad Angha
23 Zi-al Ghadeh 1398 A.H.
27 Octobre 1978 Cairo, Egypt

La route du coeur (THARIGHAT) c'est la purification et tout ce qui rapproche de Dieu comme le renoncement au rang et à l'importance sociale. Mais le contenu du coeur (HAGHIGHAT) témoigne que l'on atteint le but suprême et que l'on est en présence de la Divine Lumière.

Comme Imam Ja'far Sadegh (la Paix soit avec lui) l'a dit à propos de la prière (SALAT): "Les traditions (SHARI'AT) représentent la part de servitude, la route (TARIGHAT) est une approche et le coeur (HAGHIGHAT) est une communion".

La prière (SALAT) regroupe ces trois conditions; ainsi que Amir-al-Moamenin Ali (la paix soit avec lui) l'a dit: "Les traditions sont soumission à Lui, la route est l'assurance de Sa Présence et le coeur est le sûr témoignage de Son Existence".

Que la sincérité soit le soleil de votre dévotion; ainsi serez-vous purifiés audedans de vous comme au-dehors; "le Tout Puissant accepte la dévotion des purs (Coran 5,27) et Il a dit: "je dis; faites des dons volontaires au forcés, ils ne seront pas acceptés, car vous n'êtes à la vérité que des rebelles et des méchants" (Coran 9.53.54). Les offrandes ne peuvent être acceptées de gens impurs qui font le mal.

Quiconque péche en usant de nourriture interdite, Dieu n'acceptera de lui ni des paroles ni des réparations; renoncer à un seul morceau de cette nourriture a plus de valeur aux yeux de Dieu que deux mille prosternations, et, dissuader un ami vaut plus que soixante dix pèlerinages si pieux soient-ils.

Molana Mozam Jalaeddin Ali Mir Abalfazl Angha Ghods Serreh a dit: "La purification par les traditions (SHARI'AT) a lieu par l'eau, la marche vers Dieu par le rejet des désirs. La prière (SALAT), à cette étape, opère le détachement et le face à face avec la Divine Majesté ainsi que l'extase que donne cette communion dans l'oubli de temps et du lieu".

Le Très Haut a rassemblé: "les hommes que ni commerce ni marchandises ne peuvent détourner de l'idée de Dieu" (Coran 24.37)

Jeûner, comme le demandent les traditions (SHARI'AT), en s'abstenant de nourriture et de boisson, ressemble à l'ascèse (TARIGHAT) où il faut se priver des illusions de l'imagination et se consacrer entièrement à l'amour de Dieu.

L'aumône de la tradition consiste à donner la moitié de chaque vingtième de ses richesses, la charité dans l'ascèse est de tout donner et dans l'ultime étape, de se donner soi-même.

L'amour est une chaîne qui garotte;
Soumis aux passions, il vous demande de vous soumettre.
Quand des chercheurs prêteront-ils attention à un monde bouleversé?
Ces bouleversements ne distrairont pas les purs.
Son existence n'est que hasards, son profit pertes, son bien le mal,
Son amour affliction, sa douceur poison et ses incitations tentations.
Dans un souffle nous arrachons ces mondes de notre coeur désespéré
Pour Vous avoir ici.

Dieu révèle Sa Volonté avec ses propres Voies et Ses Voies ne sont autres que Sa Volonté. Les grandes aspirations ne sont pas comblées par des soupirs et le savoir ne s'acquiert pas en posant des questions. Car chaque vaisseau est à la recherche de son pilote idéal de la même façon, dont vous entrez dans une maison par la porte.

Molana-al-Moazam Hazrat Jalaeddin Ali Mir Abalfazl Angha the PIR (SAGE)
d'Oveyssi a dit

“Délivré du monde, Jesus s'est élevé en haut du ciel où vous
séjournerez quand votre âme sera délivrée de vos désirs”

Par conséquent, au début de votre recherche, adressez-vous d'abord au Très Haut pour qu'Il vous indique un Guide qui connaisse les périls et les tribulations de la route, un Guide dont les approbations et les reproches seront ceux de Dieu.

Alors vous serez gratifié de Ses paroles, elles vous élanceront vers lui, gardant votre coeur de tout désirs et vous assurant de rester dans la droite voie. Cette voie, c'est ma croyance profonde, est l'adhésion à la véritable religion de l'Islam et du prophète Mahommet (que la paix soit avec lui).

Hazrat Jalaeddin Ali Mir Albolfazi Angha, le Sufi (AREF) habitant les royaumes du savoir, de la sagesse et de la connaissance, se référant à une parole du parfait Sheikh Najmeddin Kobra, a dit: “Le Soufisme comporte trois stades: les traditions (SHARI-AT), la route du coeur (TARIGHAT) et le contenu du coeur (HAGHIG-HAT). Les traditions sont le bateau, la route du coeur est la mer et le contenu du coeur ressemble à un trésor. Ainsi, celui qui désire le trésor doit embarquer, traverser la mer et atteindre le trésor. Celui qui n'obéit pas à cet ordre échouera”; ainsi, le premier devoir pour le Soufi (SALEK) ce sont les traditions, c'est à dire l'adhésion aux exigences que Dieu et de Son Prophète (la paix soit avec lui) aussi bien que leurs disciples ont imposées: les ablutions, le jeûne, la charité, le pèlerinage, l'horreur du vice et les autres obligations ou interdictions telles qu'elles existent.

L'ascèse de l'homme réside dans cet effort comme le vol de l'oiseau est tributaire de ses ailes. Efforcez-vous donc de purifier votre cœur pour que la splendeur du Très Haut se reflète en lui en toute clarté; dans la présence incessante du ZEKR (l'image de Dieu) la Face du Bien Aimé vous sera révélée et vous la reconnaîtrez.

O amant trop zélé! ton cœur peut-il aimer dans l'ambiguïté?
Il faut choisir! Ou toi-même ou le Bien Aimé?
Le Très Haut l'a dit: "Dieu ne suffit-il pas à celui qui le sert?"
(Coran 33.4)
"Dieu n'a pas donné deux cœurs à l'homme" (Coran 33.4)

Sacrifie les deux mondes à la présence du Bien Aimé, si tu cherches la vie éternelle.

Lord Ali (que la paix soit avec lui) a dit: "Ni le désir du paradis, ni la crainte de l'enfer ne m'ont amené à vos pieds, mais j'ai vu Votre majesté et je me suis prosterné".

La dévotion que n'accompagnent pas un cœur pur et l'amour de Dieu mais qui pense aux richesses du monde et aux charmes du paradis n'est que fantaisie et négligence.

Le prophète Mahommed (que la paix soit avec lui) a dit:

"Le monde est fermé à ceux qui cherchent le paradis et le paradis est clos pour ceux qui cherchent le monde; ni les uns ni les autres ne peuvent être les serviteurs de Dieu"

C'est pourquoi, l'élu de Dieu les Soufis éminents, suivant les traditions des prophètes, ont insisté, dans leurs enseignements, sur la nécessité pour les chercheurs de vérité (les SALEK) dans leur quête de Dieu de se détacher du monde et de ses tentations. Molana Moazam Hazrat Mir Ghotbeddin Mohammad Angha a dit, dans une de ses leçons:

"Un cœur soumis à ses désirs n'est pas un cœur mais un estomac"

Dans ses attaques contre le monde de hommes du monde, il a dit dans "TAJALIA":

"Qu'est le monde sinon une charogne dans un cloaque?
Qu'est l'homme du monde sinon un charognard nourri d'ordure?
Le monde nourrit son espèce d'eau et d'herbe;
Celà ne saurait convenir à l'âme de l'homme.
Le monde fait naître un déluge et les montagnes disparaissent;
Pour lui une poignée de terre n'a aucune importance.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهِ نَسْتَعِیْنُ

Les etapes de la revelation

“Au Nom de Dieu, lui qui comprend, pardonne et accorde”
en lui est ma certitude

Mon enfant, que Dieu vous conforte. Sans cet appel intérieur qui vous amène sous l’aile du grand PIR (SAGE), sans l’ordre de Dieu source d’amour et de courage, il vous sera impossible de voir la lumière divine à travers le mur de votre “moi” et d’avancer sur une route illuminée. La révélation du coeur a montré la nécessité pour celui qui cherche la route de renoncer à l’esprit; en concentrant toutes les énergies spirituelles, on peut renverser le mur des désirs et avec la bénédiction de Dieu franchir la porte du coeur et voyager sur la route de Dieu.

Le prophète Mohammed (que la paix soit avec lui) a dit:

“Restez fermes dans vos desseins quand ceux-ci sont essentiels pour vous”

et j’ai moi-même écrit dans “l’épopée de l’Existence”:

Garde ton coeur ferme

Pour que les désirs ne le dévoient pas.

Concentre toutes tes forces et tes pouvoirs

Car cela est le vrai sens de la vie.

Purifie ton coeur dans la vérité,

Ton miroir sera alors d’une pureté de cristal.

Sois un pour que l’appel divin

se révèle en toi pour la vie.

Quand le coeur est pur et immaculé

C’est alors le départ pour le paradis.

Quand Dieu ouvre ton coeur,

C’est Dieu qui se reflète en lui.

Quand ta vie sera pure et délivrée des apparences,

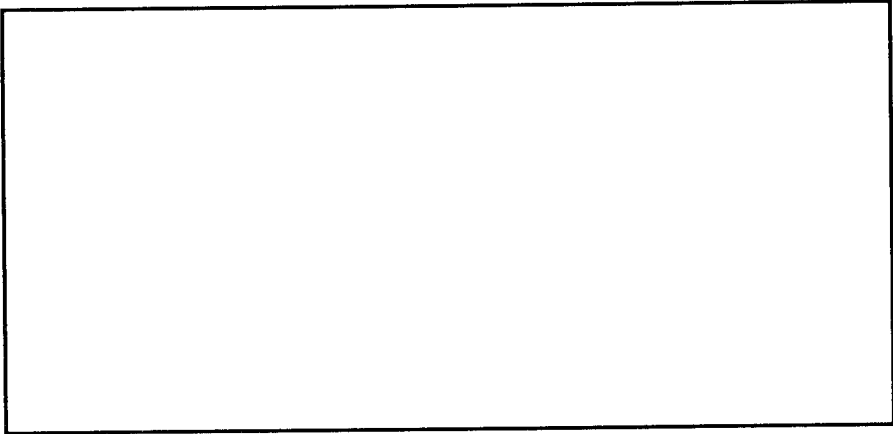
En route vers Dieu tu brilleras autant que Mohamet.

Ta vie connaîtra la joie d’être unie à Dieu,

Et dans la solitude de ton coeur tu trouveras la foi.

يَظَاهِرُ وَيَتَّقِي الْقُلُوبُ

*Le Compatassant
et le Misericor dieux*





Partial list of Works by the author

Molana-al-Moazam Hazrat Shah Maghsoud Sadegh-ibn-Mohammed Angha has written well over 100 books, treatises, essays und other works on Erphan in prose und verse conveyed through different disciplines. These include:

	Written	Published
- <i>Psalm of the Gods</i>	1955	1963
- <i>Iron</i>	1950	1950
- <i>Principes of Faghr & Sufism</i>	1974	1987
- <i>The Sufi Mirades</i>		
<i>"Commentary on the Holy Koran"</i> (II volumes)	1962-1977	-
- <i>Owzan va Mizan (Weights and Balance)</i>	1972	1973
- <i>Stages of Cognition in the Holy Koran</i>	1970	forthcoming
- <i>Manifestations of Thought</i>	1950	1954
- <i>Message from the Soul</i>	1960	1968
- <i>The Human Magnetic Body</i>	1970	forthcoming
- <i>The Complete Arithmomancy</i>	1967	forthcoming
- <i>Chanteh - Realm of the Sufi</i>	1940	1943
- <i>Life</i>	1970	forthcoming
- <i>Microbic Sages</i>	1951	1951
- <i>Two Pulse Beats</i>	1973	forthcoming
- <i>Remembrances</i>	1965	forthcoming
- <i>Al-Salat</i>	1978	1978
- <i>Purification and Enlightenment of Hearts</i>	1978	1978
- <i>The Light of Salvation</i>	1978	1978
- <i>The States of Enlightenment</i>	1978	1978
- <i>The Hidden Angels of Life</i>	1972	1974
- <i>Serr-ol-Hadjar</i>	1960	1983
- <i>The Stages of the Seeker and The Ascent of Nader</i>	1966	1983
- <i>The Mantle's Lineage</i>	1945	1945
- <i>Through the Gates of the Unseen</i>	1966	1983
- <i>The Traditional Medicine of Iran</i>	1976	1978
- <i>Love and Fate</i>	1938	1938
- <i>The Science of Numbers</i>	1961	forthcoming
- <i>The Science of Names</i>	1962	forthcoming
- <i>The Science of Coordinates and Squares</i>	1962	forthcoming
- <i>The Principes of Oneness The Epic of Existence</i>	1966	1968
- <i>The Star of Literature</i>	1931	1932
- <i>Kymya</i>	1961	1972
- <i>Golzar-e-Omid (The Flowers of Hope)</i>	1963	1964
- <i>Nader's Treasure</i>	1940 - 1979*	
- <i>The Rightful Visions</i>	1970	forthcoming
- <i>Psalms of Truth</i>	1962	1964
- <i>Nirvan</i>	1955	1960
- <i>The Heavenly Colors</i>	1972	forthcoming
- <i>Ghazaliat</i>		

*)Beginn der Zusammenstellung

Genealogy fo the School of Islamic Sufism:
Maktab Tarighe Oveysi ShamaghSoudi

Prophet Mohammed

Imam Ali

- 1- Hazrat Oveysse Gharani
- 2- Hazrat Salman Farssi
- 3- Hazrat Habib der Sohn von Raic
- 4- Hazrat Sultan Ebrahim Adham
- 5- Hazrat Abu Ali Schaghighe Baklihi
- 6- Hazrat Schaikh Abu Torabe Nachschabi
- 7- Hazrat Schaikh Abu Amre Estakhrice
- 8- Hazrat Abu Dja'fare Hazza
- 9- Hazrat Schaikh Kabir Abu Abdollah Mohammad der Sohn von Khafife Schirasi
- 10- Hazrat Schaikh Hossein Akkar
- 11- Hazrat Schaikh Morsched Abu Eshagh Schahriate Kaseruni
- 12- Hazrat Khatieb Abolghassem Abdolkarim
- 13- Hazrat Ali der Sohn von Hassan Basri
- 14- Hazrat Seradjeddin Abolfath Mahmud der Sohn von Mahmudi Sabuni Bejsawi
- 15- Hazrat Schaikh Abu Abdollah Rusbehane Beghli Schirasi
- 16- Hazrat Schaikh Nadjmeddin Tammel-al-Kobra Khiwaghi
- 17- Hazrat Schaikh Aki Lala Ghaznawi
- 18- Hazrat Schdikh Ahmad Saker Djoseghani
- 19- Hazrat Nureddin Absolrahman Esfarajeni
- 20- Hazrat Schaikh Alaoddolch Samnani
- 21- Hazrat Mahmud Mazdaghani
- 22- Hazrat Amir Sejjed Ali Hamedani
- 23- Hazrat Schaikh Ahmad Khatlani
- 24- Hazrat Sejjed Mohammad Abdollah Ghatifi-al-Hessawi Nurbachs
- 25- Hazrat Schag Ghassem Fejznachs
- 26- Hazrat Hossein Abarghuic Djanbachs
- 27- Hazrat Darwisch Malek Aki Djowejni
- 28- Hazrat Darwisch Ali Sodejri
- 29- Hazrat Darwisch Kamal Sodejri
- 30- Hazrat Darwisch Mohammed Mosahhab Karandehi (bekannt als pierre palanduz)
- 31- Hazrat Mir Mohammad Momen Sodchri Sabdewari
- 32- Hazrat Mir Mohammad Taghi Schahi Maschadi
- 33- Hazrat Mir Mosaffar Ali
- 34- Hazrat Mir Mohammad Ali
- 35- Hazrat Sejjed Schamsseiddin Mohammad
- 36- Hazrat Sejjed Abdolwah'hab Na-i-nic
- 37- Hazrat Hadj Mohammad Hassam Kusekanani
- 38- Hazrat Agha Abdolghader Djahromi
- 39- Hazrat Djalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha
- 40- Hazrat Mir Ghotbeddin Mohammad Angha
- 41- Hazrat Schah Maghsoud Sadegh der Sohn von Mohammad Angha
- 42- Hazrat Salaheddin Ali Nader - Schah Angha

streams of knowledge shall flow from his heart to his lips, and he shall see what eye has not seen, nor ear heard, nor the heart of any human being witnessed, and he shall know ever clearly the reality of the manifestation of attributes. Whenever God desires the welfare of His servant, He shall open the eye to his heart, and in solouk (journey through truth) He shall fulfill His commandment and enfold him in the Blessings of His Grace, and by His Magnanimity sustain and guide him.

‘‘Thou man! Verily thou art ever toiling on towards thy Lord - Painfully toiling, but thou shalt meet Him.’’ (Holy Koran, 84:6)

Whatever has been revealed unto my heart, I have so drawn on paper, may it purify your heart to read the mystery of God. But I have other words to say and other joys to relate, but to hear it requires a different way of hearing and another awareness. The servant must be firm in commitment, from God is guidance and enlightenment, and from God only we seek blessing, guidance, and refuge.

Greetings to those who are in Guidance
Shah Maghsoud Sadegh-ibn-Mohammad Angha
23 Zi-al-Ghadeh 1398 A.H.
27 October 1978 Cairo, Egypt

servitude to Him with certainty; tarighat is presence in Him with certainty; and haghghat is witnessing Him with certainty.’

Make truthfulness your light in devotion, so that you may be cleansed inwardly and outwardly: “God Almighty accepts devotion from the pure,” (Holy Koran, 5:27) and He has commanded: “Say: Spend willingly or unwillingly: not from you will it be accepted: for ye are indeed a people rebellious and wicked” (Holy Koran, 9:53,54) and the obstacle for acceptance of offerings from the impure is his corrupt deeds.

Whosoever is cloaked in vice through forbidden sustenance, God shall accept from him neither words nor compensation; forsaking one morsel of forbidden food is worth more to God than two thousand turns of prolonged prayer, and dissuading a friend from infamy is worth seventy pious pilgrimages.

Molana Moazam Jalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha Ghods Serreh has said: “Purification in shari’at is in water, and in tarighat in purifying the self from desires; and salat in tarighat is in separation from attachments and absolute awareness of the Most Gracious, and absorption in the ecstasy of union in prayer, regardless of time and place.”

God Almighty has commanded: “Men whom neither traffic nor merchandise can divert from the remembrance of God” (Holy Koran, 24:27).

Fasting in shari’at is abstention from food and drink, and fasting in tarighat is abstention from the illusions of the mind and complete devotion to the love of the Lord.

Charity in shari’at is giving one half of every twentieth measure of wealth, and charity in tarighat is offering all possessions, and charity in haghghat is absolute surrender of self. However, pilgrimage in shari’at is visiting the House of Allah, in tarighat it is witnessing the Presence of Allah Almighty, and in haghghat pilgrimage is absolute annihilation in Allah. Pilgrimage is visiting the house, and pilgrimage of the men of God is visiting the Master of the house.

When the salek has fully adhered to the aforementioned, he shall have reached his rank at the summit of devotion and servitude; his words and actions shall be strengthened by the Divine Light and he shall be blessed. As the Almighty has promised: “God is the protector of those who have faith: from the depths of darkness He will lead them forth into Light” (Holy Koran, 2:257). In his state of purity, the

A world upturned, when will scholars pay heed?
Its upturned ways divert not the pure.
Its existence is doom; its profit, loss; and its good, evil;
Its love is sorrow; its sweetness, poison; and its tidings, temptations.
In a breath both worlds from this forlorn heart,
Cast we out, to have You here.’’

God reveals His command only through His means, and His means are none other than His command. Great ideals are not achieved by yearning, and learning is not obtained by asking. For each craft seek its rightful master, as you would enter a house through its door.

Molana Jalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha the Pir of Oveysi has said:

‘‘In release from the world, Jesus was raised to the dome of heaven,
When cleansed of desires, your soul shall journey there.’’

Hence, at the beginning of seeking, first ask the Almighty for your Master of Way who knows the perils and tribulations of the path, and whose disapproval and approval shall be that of God. At that time you shall be blessed with His words, which means yearning for Him and guarding the heart from desires, and being swayed in no direction but toward Him. It is my belief that this spiritual path is adherence to the true religion of Islam and the Prophet Mohammad (peace be upon him).

Aref (Sufi) of the realms of knowledge, wisdom and insight, Hazrat Jalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha, in referring to a saying by the perfect Sheikh Najmeddin Kobra has said: ‘‘Sufism consists of three stages: shari’at (traditions), tarighat (path of the heart), and haghghat (state of the heart). Shari’at is like the ship, tarighat like the sea, an haghghat like the treasure; therefore, whosoever desires the treasure must embark, sail the sea, and reach the treasure. Whosoever disobeys this order will not reach; thus the first duty for the salek is shari’at. Shari’at is adherence to what God and His Prophet (peace be upon him) and his followers have designated as ablution, fasting, charity, pilgrimage, abstaining from vice, and other duties as ordained or prohibited in accordance with their extant reality; and tarighat lies in purification and whatever brings you closer to your Lord, such as renouncing rank and station. But haghghat is reaching the goal and witnessing the Divine Light. As Imam Ja’far Sadegh (peace be upon him) has said concerning salat (prayer): ‘‘Servitude is shari’at, closeness is tarighat, and union is haghghat.’’ Salat encompasses all three conditions as Amir-al-Moemenin Ali (peace be upon him) has said: ‘‘Shari’at is

The ascent of man lies in his effort, as the flight of the bird depends on its wings; therefore, endeavor to purify your heart so that the splendor of the Almighty will be reflected therein without question or doubt, and in the constancy of zekr (remembrance of God) the Face of the Beloved will be revealed and witnessed.

Bigotry O lover! A heart with two beloveds!

The choice is then, thyself or the Beloved?

God Almighty has commanded: "Is not God sufficient for His servant?" (Holy Koran, 39:36)

"God has not made for any man two hearts." (Holy Koran, 33:4)

Renounce both worlds for the Presence of the Beloved, if you seek life eternal. Lord Ali (peace be upon him) has said: "It was not for desire of paradise nor fear of hell that I worshiped you; in greatness I saw you, then I worshiped."

Devotion that is not with purity of heart and love of God, but for riches of the world and bounties of paradise, is fantasy and neglect. Prophet Mohammad (peace be upon him) has said:

"The world is forbidden to the seekers of paradise, and paradise is forbidden to those of the world, and both are forbidden to the servants of God."

This is why the elect of God, and eminent Orafa (Sufis), in observing the traditions of the prophets, have stressed in their teachings the necessity of detachment from worldly desires for the salek (seeker of truth) on the path of God. Molana Moazam Hazrat Mir Ghotbeddin Mohammad Angha in a section of his teachings has said:

"A heart bound to desires is not a heart but a stomach."

Reproaching the world and the worldly he has said Tajaliat:

"What is the world but a carrion in a cesspool?

Who is the worldly but a carrioncrow feeding in the cesspool?

The world nurtures its kind from this water and grass,

Its conditions suit not man's soul.

The way of the world, as a flood, doth mountains sweep away,

A fistfull of dust is but nothing in its train.

Love is but a chain that binds,

Enslaved to passions, its demands you'll serve.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ

“In the Name of God,
the Compassionate the Merciful”

My child, may God confirm you; unless with inner aspiration your carnal soul is trained under the wing of the Pir (Master), with the command of God the Cherisher and the Sustainer, it will be impossible for you to see the Divine Light through the veil of the self, and for your path to be lighted. The enlightened of heart have confirmed the necessity for the seeker of the Path to renounce the mind; by concentrating the spiritual powers, it is possible to break through the veils of desire and, with the blessings of God, to enter through the gateway of the heart and journey on the Path of God.

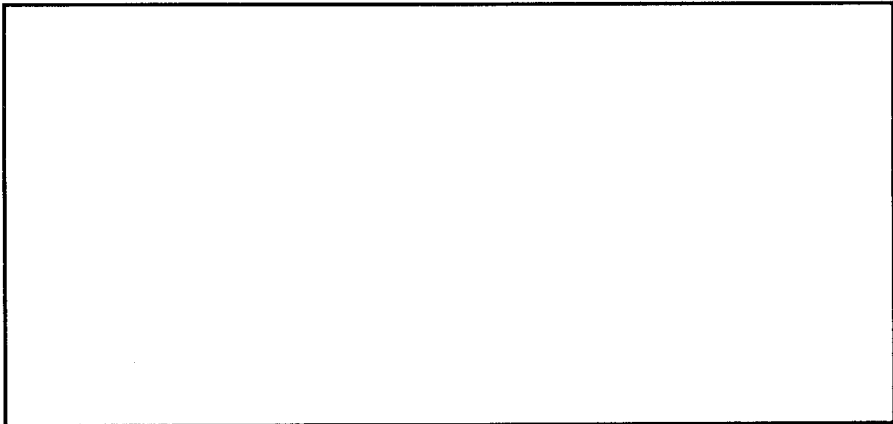
Prophet Mohammad (peace be upon him) has said:
“Strive in firmness for that which is vital unto you.”

In the Epic of Existence I have written:

Steadfast keep thy strength of heart,
For desires not to divert thy heart.
Concentrate thy powers and might,
For this is the meaning of life.
Purify thy heart in Truth,
Thy mirror is then cleansed and pure.
Thyself unite, for the call Divine,
To reveal in thee all life.
When the heart is pure and clear,
To heaven its journey's then.
When God unfolds thy hearts,
Mirror of heart reflects thy Lord.
Selfless and pure when life be thine,
Salek of religion as Mohammad doth shine.
United with God thy life is blessed,
In solitude of heart thou findest faith.

تَطْهِيرُ قُلُوبٍ وَتَنْوِيرُ الْقُلُوبِ

*Purification
and Enlightenment of Hearts*



Fekr-al-Sufi-al-Irani (Reflections of an Iranian Sufi). Drs. Ebrahim Shata and Mohammad Sabaii, prominent professors at the University of Cairo, translated this unique text, which consists of four works by the Great Pir namely, *Message from the Soul*, *Nirvan*, *Psalm of the Gods*, and *Manifestations of Thought* into Arabic and published it in Egypt. In addition, the memorable work *From Foetus to Paradise*, by Hazrat Molana Mir Ghotbeddin Mohammad Angha, was also translated into Arabic and published by the above-mentioned professors under the title, *Rehlat-al-Insan: Men-al-Janin-el-al-Janan (The Evolutionary States of Man: From Foetus to Paradise)*.

As a result of the publication and distribution of the above works, which unquestionably reflect the subtle and exact truths from the sacred treasure chest of the pure *Erphan* tradition and teachings, numerous invitations from the University's academic, scientific, and religious community were extended to his Eminence. In view of these invitations, Hazrat Molana Shah Maghsoud Sadegh-ibn-Mohammad Angha, the Pir of the Oveyssi School of Islamic Sufism went to Egypt. This was a prosperous trip; in addition to the delivery of important lectures conveying the true teachings of *Erphan* and the subtle points of the Holy Koran and the divine religions, four treatises were presented containing education and training in the school of self-knowledge. These treatises were first delivered in Arabic and published and distributed in Egypt and other Arab speaking nations.

The Purification and Enlightenment of Hearts, conveys the secrets of *Erphan* and the secret sciences, the purification of the heart, inward unity, disregard of undesirable attributes, detachment from desires; and reviews the ascent of the freed man to the elevated states of *Erphan*.

Because of personal convictions and the existing conditions in Iran, the translation into *Farsi* (Persian), and publication of the above texts was of great importance, thus their compilation, publication and distribution was undertaken in a short time. May this token of service be acceptable to His Ominiscience.

Salaheddin Ali Nader Angha
2 Jamadi-al-Sani 1398 A.H.
10 May 1978 Tehran, Iran

is what the sincere scholar seeks to know, he does not search for its roots in corners of libraries or in silent historical books. For, the fundamental basis for the discovery of the truth of *Erphan* in particular, or any science in general, requires a sincere student and the presence of a learned teacher; the book is then the subject of study and not the instruction itself. Unfortunately, it must be acknowledged that in most research and studies where *Erphan* is the subject of inquiry, these factors have changed roles; in other words, the student has taken the place of the teacher, and the book the place of the truth of knowledge.

The Great Pir of the Oveyssi School of Islamic Sufism, Hazrat Molana Shah Maghsoud Sadegh-ibn-Mohammad Angha, in the *Manifestations of Thought* says:

“A university that does not encourage and foster the innovative and positive thoughts of its thinkers is nothing but a public library.”

To reach Utopia, man's ultimate goal, the instructions – the principles based on knowledge and practice – of *Erphan* inevitably must be followed. Man's quest for his fate and destiny, uncertain and undetermined by historical and natural events, makes him the closest, and most evident, subject for his inquiry. All things outside of man have aspects and properties which are alien to him; and to research them results only in experiencing and knowing the instruments of the inquiry. However, knowledge of the truth of man and existence has a course which goes beyond the basic preliminary messages and discoveries, and ends with absolute cognition. This innate drive and curiosity has determined man's destiny and fate and has completed the pages of self-knowledge with the humming love-call of its seekers throughout the centuries; and in each age, according to the will of Existence, a new branch appears on the tree of Life – the pre-emptor – to guide and save the sons of man. Existence created the beautiful in manifestations, and beauty has been veiled in meaning; and the *Aref* is the unveiled beauty.

The ever flowing fountain of *Erphan*, the endower of life, never runs dry. Regardless of the many preoccupations and difficulties of the human life, the communication with committed hearts and their expansion never ceases in the discovery of truth.

An evident example of such communication and expansion in this age, is the expression of ideas and words of the School of Islamic Sufism, (Maktab Tarighe Oveyssi Shahmaghsoudi) throughout the world and especially in Egypt. The many visits of distinguished professors from the University of Cairo and scholars to the Great Pir of the School of Islamic Sufism, in Iran, have set the preliminary ground for the translation into Arabic of a most unique work *Men-al*

“In God’s Great Name”

The Islamic Sufism of *Erphan** of Iran in following the way of the prophets presents the reality and reveals the truth. It is the universal academy, that has existed throughout the ages and in all regions of the world to elevate spirituality, in particular for those who truly seek God and wish to know and maintain the inner values of the heart and the secrets of the soul. This great endeavor has continued at all times, to the present day, enduring hardship, crucifixion, martyrdom, and deprivation. The known evidence of these glories and victories is seen in the selves and souls of those who under the guidance and teachings of the *Arefan* (Sufis) have been redeemed from the disquiet and alienated class of men and brought to the state of tranquility, closeness to God, and the most elevated state of man’s existence.

What is necessary to briefly evaluate here is the knowledge inherent in the School of Sufism, from the past to the present. However, this is done not from the viewpoint of the historian or the reporter, but from the absolute, all-encompassing view of knowledge, education, and training, especially in regard to the principles of *Erphan*, which gives it its permanence and constancy, and its application and influence on man’s states of existence, not limited by any particular time or place. For, the *Aref* (Sufi), the living example of this true school of *Erphan*, manifests the most exalted state of man’s existence. Just as the illuminating power and the life-giving force of the sun is one of the established laws governing the earth’s existence through time, there has not been a time when the true school of *Erphan* has ceased to transmit the truth; otherwise the everlasting message and words of the divine religions would have been subsumed by history. As his holy Eminence Lord Ali has said: “The truth is always the same.” Just as the dignity of knowledge is to enlighten, so knowledge, the pillar of *Erphan* in proclaiming and propagating truth, never ceases. Therefore, it is to the heavenly court of these exalted teachers who have always been the transmitters of knowledge, the guides for spiritual training, and the bestowers of permanence to the truth of man to whom, in all divine instructions and teachings are referred to as the purpose and the goal. Thus, if the truth of *Erphan*

* *Erphan* has been known in the West as Sufism, a word which has been used to denote the philosophical and historical approach of man throughout the ages to know the origins and the way of *Erphan*, and the word Sufi has been used to mean the *Aref*, or he who has attained the most exalted state of existence in practicing the principles set forth by *Erphan*.

Introduction by

*Hazrat Salaheddin Ali
Nader Shah Anhga*

**The Origin of this book has been written in Arabic in Cairo/Egypt.
For more informations and to become the other works of
M.T.O. SHAHMAGHSOUDI in English, French, German, Arabic, Persian and
Japanic you should contact with the following addresses:**

**M.T.O. Shahmaghsoudi
P.O. Box 1135
San Rafael, CA 94915-1135
USA**

**M.T.O. Shahmaghsoudi
5 Rue Bertrand de Goth
3300 Bordeaux
France**

**M.T.O. Shahmaghsoudi
P.O. Box 5567
4400 Münster
W-Germany**

Book: The Purification and Enlightenment of Hearts
Author: Molana-al-Moazam Hazrat Shah Maghsoud
Sadegh Angha „Pir Oveyssi“
Written: 1978
23rd Edition: 1989

The Purification and Enlightenment of Hearts
By: Molana-al-Moazam Hazrat Shah Maghsoud
Sadegh Angha „Oveyssi“

Copyright © 1989 by M.T.O. SHAHMAGHSOUDI (School of Islamic Sufism)
ALL RIGHTS RESERVED -- COPYRIGHT THROUGHOUT THE WORLD.
No part of this publication may be reproduced in any form or by any means without
the express prior written consent of holder of Copyright the president of MAKTAB
TARIGHAT OVEYSSI SHAHMAGHSOUDI.

LIBRARY OF CONGRESS CATALOG No. 86-5490
I.S.B.N. 08191-5332-X

PUBLISHER:
M.T.O. SHAHMAGHSOUDI PUBLICATION CENTER
P.O. Box 209
Verdugo City CA 91046

“What exists, in *absolute rapture*, glorifies the *essence of being*.”



Calligraphy by the hand of Molana-*al-Mozam* Hazrat Shah Magsoud Sadegh-*ibn-Mohammad* Angha

Die Werke von Molana-al-Moazam Hazrat Shah Maghsoud Sadegh der Sohn von Mohammad Angha umfassen viele tausend Seiten, in Prosa und in Gedicht.

Einige von ihnen sind wie folgt betitelt:	geschrieben	erschienen
- <i>Der Psalm der Götter</i>	1955	1963
- <i>Eisen</i>	1950	1950
- <i>Prinzipien von Faghr und Sufismus</i>	1974	1987
- <i>Das sufische Wunder (Kommentar über heiligen Koran, 11 Bände)</i>	1962-1977	-
- <i>Owzan Wa Misan (Gewicht und Gleichgewicht in Alchemie)</i>	1972	1973
- <i>Kenntnisstufen im heiligen Koran</i>	1970	-
- <i>Manifestation der Gedanken</i>	1950	1954
- <i>Die Botschaft des Herzens</i>	1960	1968
- <i>Der magnetische Körperdes Menschen</i>	1970	forthcoming
- <i>Die komplette Rechnung</i>		
- <i>Tschanteh (Die Welt eines Sufis)</i>	1940	1943
- <i>Das Leben</i>	1970	-
- <i>Die mikroskopischen Weisen Zwei Impulsschläge Erinnerungen</i>	1951	1951
- <i>Das Gebet (Al-Salat)</i>	1978	1978
- <i>Reinigung und Erleuchtung des Herzens</i>	1978	1978
- <i>Der Leuchter des rechten Weges</i>	1978	1978
- <i>Die Ziele der Belehrung</i>	1978	1978
- <i>Die verdeckten Ecken des Lebens</i>	1972	1974
- <i>Serrol Hadjar</i>	1960	1983
- <i>Sejre Sajer Ea Tejre Nader (Wanderung der Schreitender undAufstieg von Nader</i>	1960	1983
- <i>Durch die Tore der Unsichtbare</i>	1966	1983
- <i>Die traditionelle Medizin des Irans</i>	1976	1978
- <i>Die Liebe und das Schicksal</i>	1938	1938
- <i>Die Lehre der Zahlen</i>	1961	-
- <i>Die Lehre der Namen</i>	1962	-
- <i>Die Lehre der Koordinaten u. der Quadrate</i>	1962	-
- <i>Die Prinzipien der Einheit (Das Epos der Existenz)</i>	1966	1968
- <i>Die Sterne in Literatur</i>	1931	1932
- <i>Kimia</i>	1961	1972
- <i>Golsare Omid (Blumengarten der Hoffnung</i>	1963	1964
- <i>Der Schatz von Nader</i>	1940-1979*	-
- <i>Die Psalmen der Wahrheit</i>	1962	1964
- <i>Nirvan</i>	1955	1960
- <i>Die himmlischen Farben</i>	1972	-
- <i>Ghazaliat</i>		

*)Beginn der Zusammenstellung

Die Vorfahren der Schule des islamischen Sufismus:
Maktab Tarighat Oveysi Shahmaghsoudi

Prophet Mohammad
Imam Ali

- 1- Hazrat Oveysse Gharani
- 2- Hazrat Salman Farssi
- 3- Hazrat Habib der Sohn von Raie
- 4- Hazrat Sultan Ebrahim Adham
- 5- Hazrat Abu Ali Schaghighe Baklihi
- 6- Hazrat Schaikh Abu Torabe Nachschabi
- 7- Hazrat Schaikh Abu Amre Estakhrie
- 8- Hazrat Abu Dja'fare Hazza
- 9- Hazrat Schaikh Kabir Abu Abdollah Mohammad der Sohn von Khafife Schirasi
- 10- Hazrat Schaikh Hossein Akkar
- 11- Hazrat Schaikh Morsched Abu Eshagh Schahriate Kaseruni
- 12- Hazrat Khatieb Abolghassem Abdolkarim
- 13- Hazrat Ali der Sohn von Hassan Basri
- 14- Hazrat Seradjeddin Abolfath Mahmud der Sohn von Mahmudi Sabuni Bejsawi
- 15- Hazrat Schaikh Abu Abdollah Rusbehane Beghli Schirasi
- 16- Hazrat Schaikh Nadjmeddin Tammel-al-Kobra Khiwaghi
- 17- Hazrat Schaikh Aki Lala Ghaznawi
- 18- Hazrat Schdikh Ahmad Saker Djoseghani
- 19- Hazrat Nureddin Absolahman Esfarajeni
- 20- Hazrat Schaikh Alaoddoleh Samnani
- 21- Hazrat Mahmud Mazdaghani
- 22- Hazrat Amir Sejjed Ali Hamedani
- 23- Hazrat Schaikh Ahmad Khatlani
- 24- Hazrat Sejjed Mohammad Abdollah Ghatifi-al-Hessawi Nurbachschesch
- 25- Hazrat Schag Ghassem Fejznachschesch
- 26- Hazrat Hossein Abarghuie Djanbachschesch
- 27- Hazrat Darwisch Malek Aki Djowejni
- 28- Hazrat Darwisch Ali Sodejri
- 29- Hazrat Darwisch Kamal Sodejri
- 30- Hazrat Darwisch Mohammed Mosahhab Karandehi (bekannt als piere palanduz)
- 31- Hazrat Mir Mohammad Momen Sodehri Sabdewari
- 32- Hazrat Mir Mohammad Taghi Schahi Maschadi
- 33- Hazrat Mir Mosaffar Ali
- 34- Hazrat Mir Mohammad Ali
- 35- Hazrat Sejjed Schamsseddin Mohammad
- 36- Hazrat Sejjed Abdolwah'hab Na-i-nie
- 37- Hazrat Hadj Mohammad Hassam Kusekanani
- 38- Hazrat Agha Abdolghader Djahromi
- 39- Hazrat Djalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha
- 40- Hazrat Mir Ghotbeddin Mohammad Angha
- 41- Hazrat Shah Maghsoud Sadegh der Sohn von Mohammad Angha
- 42- Hazrat Salaheddin Ali Nader Shah Angha

Wenn Gott das Wohl eines seiner Diener will, öffnet er ihm die Augen seines Herzens, schenkt ihm Liebe, läßt ihn aus göttlicher Gnade Nutzen ziehen und leistet ihm durch substantielle Wundertaten Hilfe.

„Du, Mensch! Du strebst mit all deinem Bemühen deinem Herrn zu, und so wirst du ihm begegnen.“ (Koran 84-6)

Was mein Herz aussprach, schrieb ich auf Papier. Vielleicht reinigt es das Herz und es ermöglicht dir, das Geheimnis Gottes zu lesen. Ich habe auch andere Worte und auch eine andere Ekstase; aber es erfordert ein anderes Ohr und eine andere Intelligenz, sie anzuhören. Ein Gottesdiener hat nur die Aufgabe, sich bereit zu halten; denn die Anleitung wird nur durch Gott vollbracht. Ohne Gott gibt es kein Gelingen; Gott ist der, dessen Hilfe erwünscht ist.

Geschrieben am Dienstag 4.11.1397 der Hidschra (Mondjahr), Kairo, Ägypten.
Shah Maghsoud Sadegh-
ibn-Mohammad Angha

Unser Meister Djalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha hat gesagt:

„In Schari'at wird die Reinigung durch Wasser vollzogen, aber in Tarigat durch Beseitigung der Gelüste. Das Gebet wird in Schari'at durch Gedenken Gottes und der Grundprinzipien verrichtet, aber in Tarigat bedeutet es die Absonderung des Selbst von der eigenen Existenz, völlige Aufmerksamkeit für Gott und das Versinken in Genuß der Ausschüttung des Herzens, zu jeder Zeit und überall.“

Gott, der Gelobte und Erhabene, hat gesagt:

„Männer, die sich weder durch Handel noch durch ein Kaufgeschäft davon ablenken lassen, Gottes zu gedenken, ...“ (Koran, 24-37)

Das Fasten in Schari'at bedeutet Enthaltensamkeit vom Essen, Trinken u.s.w. und in Tarigat bedeutet es Enthaltensamkeit von Einbildungen und die Beschäftigung mit der Freundschaft Gottes. Sakat bedeutet in Schari'at Abgabe von zwei und halb Prozent des Verdienstes und in Tarigat bedeutet es die Spende des ganzen Vermögens.

Sakat in Hagigat bedeutet Hingabe des Lebens. Hadj (Wallfahrt nach Mekka) in Schari'at bedeutet der Besuch des Gotteshauses, in Tarigat heißt es Schau der Selbstenthüllung Gottes und in Hagigat heißt es das vollkommene Einswerden mit Gott.

Die Wallfahrt nach Mekka (Hadj) bedeutet im üblichen Sinne der Besuch des Gotteshauses, aber für die Sufisten bedeutet es den Besuch des Hausbesitzers.

Wenn ein Szalek (Schreitender auf dem Gottespfade) alles beachtet, was zuvor beschrieben wurde, wird er die Aufschließung seiner Brust erzielen; danach werden seine Zunge und sein Körper beim Gottesdienst und bei der Gottesverehrung durch die gütigen Kräfte des Selbst verstärkt und er wird ein Musterbeispiel folgender Aussage Gottes werden: „Allah ist der Herr der Gläubigen; er bringt sie aus der Finsternis hinaus ins Licht.“ (Koran, 2. Sure, 257. Vers)

Aufgrund seiner Aufrichtigkeit fließen die Brunnen der Erkenntnis aus seinem Herzen in seinen Mund; er wird Dinge erfahren, die kein Auge zuvor gesehen, kein Ohr gehört und kein Herz erfahren hat; er wird die Selbstenthüllung der Eigenschaften, so wie sie sind, praktisch erfahren.

Die in Klammern stehenden Ergänzungen sind zum besseren Verständnis eingefügt.

Sufismus hat drei Stufen: „Schari’at“¹⁾; „Tarigat“²⁾; „Hagigat“³⁾. Schari’at ist wie das Schiff, Tarigat wie das Meer und Hagigat wie die Perle. Wer die Perle sucht, der besteigt das Schiff, fährt auf das Meer und beschafft sie sich. Wer diese Reihenfolge mißachtet, wird den Rang der Wahrheit nicht erreichen.

Was für einen Gottsuchenden zunächst notwendig ist, ist Schari’at. Unter Schari’at versteht man, was Gott und der Prophet unter bestimmten und wahrhaftigen Bedingungen befohlen beziehungsweise verboten haben, wie z.B. das Gebet, das Fasten, die Wallfahrt, Sakat⁴⁾, das Beachten der Verbote u.s.w.

Tarigat wird durch ständige Behutsamkeit und durch Annäherung an den Herrn mittels Aufgabe der weltlichen Anhänglichkeiten vollzogen. Hagigat heißt die Ankunft am Ziel und die Vision des enthüllten Lichtes. Über das Gebet hat man gesagt: Das Gebet heißt im Dienste (Gottes) stehen, sich (dem Herrn) nähern und (die Wahrheit) erreichen. Der Dienst heißt hier Schari’at, die Annäherung an den Herrn „Tarigat“ und die Erzielung der Wahrheit „Hagigat“.

Das Gebet besitzt die drei genannten Eigenschaften. Über das Gebet wird weiterhin gesagt: Schari’at ist die Knechtschaft des Menschen vor Gott gemäß der Wahrheit; „Tarigat“ ist die Anwesenheit Gottes gemäß der Wahrheit und Hagigat ist die Schau Gottes gemäß der Wahrheit.

Beim Gebet erleuchte deinen Weg durch Aufrichtigkeit, damit dir die äußere und innere Reinheit gelingt.

„Gott nimmt nur das Gebet des Frommen an.“ (Koran, 5-27)

„Sag! Ihr mögt freiwillig Spenden oder widerwillig, es wird nicht von euch angenommen werden, weil ihr ein frevelhaftes Volk seid.“ (Koran, 9-53 od. 54)

Die Frevelhaftigkeit eines Menschen ist der Grund, warum seine Spenden von Gott abgelehnt werden.

Wer von verbotener Nahrung ißt, von dem wird Gott kein Wort hören und keinen Ersatz annehmen. Die Unterlassung eines verbotenen Bissens ist Gott lieber als zweitausend erwünschte Gebete; und den Freund von Verbotenem abhalten kommt siebzig freien Wallfahrten gleich.

1) Religiöses Gesetz des Islams.

2) Weg des Sufis zum vollkommenen Einswerden mit Gott.

3) Die Wahrheit.

Der Genuß des Diesseits ist wie ein Wasserstrom, der einen Berg zerstört. Was kann eine Handvoll Erde im Berg gegen einen solchen Wasserstrom tun?

Wenn es (das Diesseits) dich streichelt, fesselt es deine Füße, damit du es wegen deiner Begierden wie ein Sklave bedienst.

Das Universum ist auf den Kopf gestellt worden. Dies ist eine Andeutung für die Weisen, durch die sie die Unwahrhaftigkeit der Taten des Universums erkennen.

Das Sein des Diesseits ist kein Sein; in seinem Gewinn steckt Schaden und in seinem Glück Unglück. Seine Liebe verursacht Gewalt, seine Süße ist Gift und seine Güte Bosheit!"

Ich vertrieb die beiden Welten aus dem betrübten Herzen, damit es Dir allein gehört.

Gott verrichtet keine Geschehnisse ohne entsprechende Mittel; und die Mittel sind unvermeidlich an ihre Ursachen gebunden.

„Die großen Ziele sind durch Wünsche und Bitten nicht zu erreichen. Suchen Sie in jedem Gewerbe die Hilfe des entsprechenden Meisters und betreten Sie die Häuser durch die Türen!"

Unser Meister Djalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha, Meister der Oveyssi Schule, hat gesagt:

Da Jesus den Gelüsten fern stand, erreichte er den vierten Himmel.

Trenne deine Seele von den Verunreinigungen, dann wirst auch du ihn erreichen.

Am Anfang des Pfades ist es erforderlich, den Herrn aufgrund eines inneren Verlangens um einen autorisierten Meister zu bitten, der die Gefahren des Weges kennt und dessen Zurückweisung oder Annahme gemäß der Wahrheit erfolgt. Danach sollst du dich diesem unterstellen, d.h., daß sein Kummer dich in Haft nimmt, daß du keine selbstsüchtigen Gedanken in dein Herz eintreten läßt und daß du dich zu niemandem außer ihm neigst. Ich bin der Meinung, daß dieser seelische Weg die Ausübung der islamischen Religion und die Verbeugung vor Mohammad, dem Gesandten Gottes, darstellt.

Djalaleddin Ali Mir Abolfazl Angha hat in seinen Werken folgendes vom hervorragenden gnostischen Meister Nadjmed-din-Kobra übermittelt:

So, wie der Flug der Vögel durch ihre Flügel möglich ist, führt die innere Bestrebung zum Aufstieg des Menschen. Deswegen bemühe dich um die Reinigung des Herzensspiegels, damit Gott unzweifelhaft in ihm reflektiert wird und die Schönheit des Herrn sich durch anhaltendes Sekr (Gedenken Gottes) und die Auseinandersetzung mit den Offenbarungen enthüllt.

„Die Liebe bedingt, daß Dein Herz nicht zweien gehören kann; man soll also entweder auf den Herrn oder auf sein eigenes Leben verzichten.“

Gott, der Gelobte und Erhabene, hat gesagt:

„Genügt nicht Gott seinem Diener?“ (Koran, 39-36)

„Allah hat keinem Mann zwei Herzen in seine Brust gelegt.“

(Koran, 33-4)

Wenn du das ewige Leben suchst, dann verlasse Dies- und Jenseits durch die Vereinigung mit Gott. Unser Herr, Ali (Er sei begrüßt), hat gesagt:

„Ich habe Dich nicht wegen des Paradieses oder wegen der Furcht vor Flammen angebetet, sondern ich fand Dich würdig, angebetet zu werden, und erst dann betete ich Dich an.“

Wenn der Gottesdienst nicht aus Ehrlichkeit und Freude geleistet wird, bezweckt er weltliches Interesse und die Erlangung paradiesischer Geschenke, Paläste und Jungfrauen.

Die Sufisten haben gesagt: Das Diesseits ist für die Leute des Jenseits verboten, und das Jenseits ist für die Leute des Diesseits verboten, und beide sind für die Leute Gottes verboten. Aus diesem Grund, wegen der Treue zum Propheten, der Einflußnahme auf die Schreitenden auf dem Gottespfade und wegen der Reinigung des Innern, haben die Gelehrten der inneren Lehre und die würdigen Sufisten den Verzicht auf Diesseitiges bekräftigt. Unser Herr, seine Hoheit Mir Ghotbeddin Mohammad Angha, hat in seinen Belehrungen gesagt:

„Ein Herz, das an mehr oder weniger gebunden ist, ist kein Herz, sondern ein Bauch.“

Und über die Verwertung des Diesseits und der Diesseitsliebenden hat er in seinem Werk „Tadjalliat“ geschrieben:

„Was ist das Diesseits? Eine Leiche im Sumpf. Wer ist ein Diesseitsliebender? Einer, der solche Leichen schluckt. Das Diesseits züchtet seine Art mit Pflanzen und Wasser, und seine Organisation verträgt die menschliche Seele nicht.“

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنِ

**Im Namen des barmherzigen und gütigen Gottes,
den wir um Hilfe ersuchen.**

Du, mein Kind! bekräftige dich Gott! Solange dein „Selbst“, aufgrund deines inneren Bestrebens, nicht unter Aufsicht der Lehrmeister und mit der Genehmigung Gottes erzogen wird, wird Gott sich nicht aus dem Jenseits der Seelenschleier durch dich manifestieren und der Weg wird dir nicht erleuchtet. Die Sufisten haben aufgrund eigener Erfahrungen dem Gottsuchenden die Abweisung der (Gedanken) Eingebungen ausdrücklich empfohlen. Durch Sammlung der seelischen Kräfte kann man die Schleier der Wünsche des „Selbst“ zerreißen, mit der Hilfe Gottes durch die „Herzenstür“ schreiten und auf dem Pfad Gottes wandeln.

Der Prophet Mohammad (Er sei begrüßt) hat gesagt:

„Behüte deine inneren Bestrebungen vor primitive Dinge und überlasse ihr das, was dir wichtig ist!“

In meinem Werk „Das Epos des Lebens“ habe ich geschrieben:

„Sei so, daß deine Herzensfreude bei der Konzentration der Kräfte nicht den Leidenschaften untersteht.

Sammele alle deine dir zur Verfügung stehenden Kräfte;
denn dies ist für dich der Sinn des Lebens.

Reinige dein Herz gemäß der Wahrheit,
damit dein Spiegel fleckenlos wird.

Konzentriere dich, damit durch die Anziehungskraft des Daseins dies in Dir zur Existenz gelangt.

Wenn das Herz von allen Unreinheiten befreit wird,
wird es fähig sein, im Himmel zu wandern.

Wenn sich die Seele in deiner Brust aufschließt,
wird sich Gott in ihr spiegeln.

Würde die Seele gestaltlos und abstrakt werden,
würde sie Szalek¹⁾ von Mohammads Glauben geworden sein.

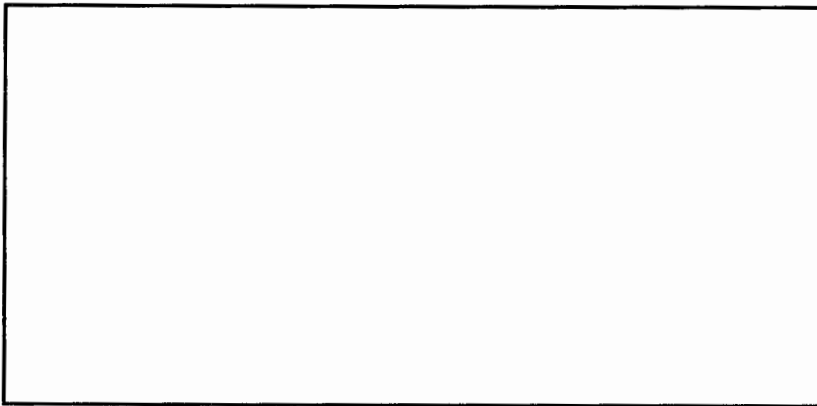
Erreichte deine Seele den Herrn, würdest du Leben finden
und im Szowejda²⁾ des Herzens den Glauben erlangen.“

1) Schreitender auf dem Gottespfade.

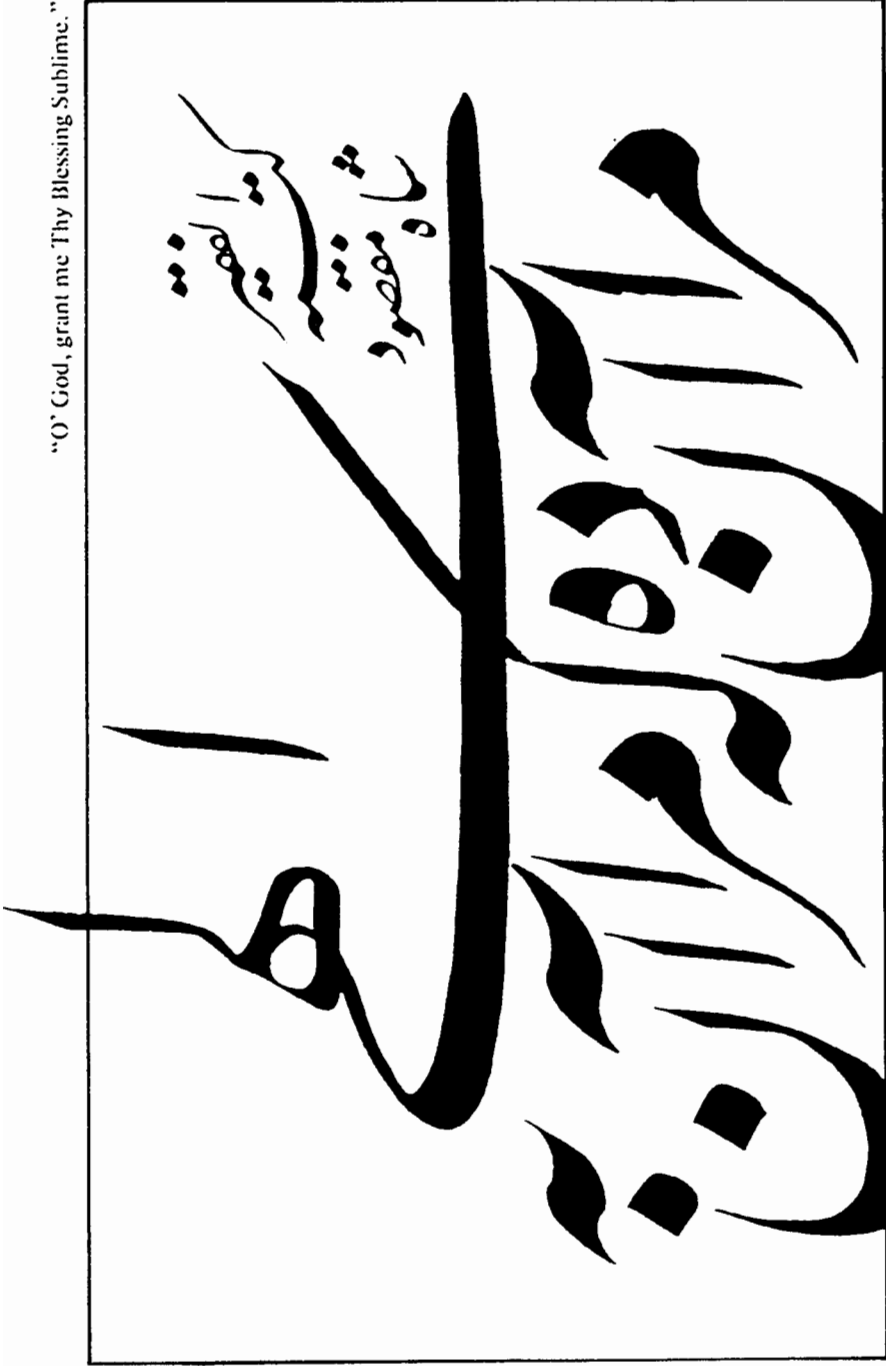
2) Szowejda: Das Innerste des Herzens; das Herzkörnchen; ein schwarzer Punkt, der am Herzen liegt.

تَطْهِيرُ وَقْتِنَا الْقُلُوبُ

*Reinigung
und Erleuchtung des Herzens*



“O’ God, grant me Thy Blessing Sublime.”



Calligraphy by the hand of Molana-al-Moazam
Hazrat Shah Maghsoud Sadegh-ibn-Mohammad Angha

Inhalt

	Seite
Reinigung und Erleuchtung des Herzens	13
Biographische Daten	22
Die Vorfahren	23

Das Original dieses Buches in arabisch ist in Kairo/Ägypten gedruckt worden.
Um die weiteren Ausgaben von M.T.O. Shahmaghsoudi in persisch, arabisch,
englisch, französisch, deutsch und japanisch zu erhalten, können Sie mit folgenden
Adressen Kontakt aufnehmen:

M.T.O. Shahmaghsoudi
P.O. Box 1135
San Rafael, CA 94915-1135
USA

M.T.O. Shahmaghsoudi
5 Rue Bertrand de Goth
3300 Bordeaux
France

M.T.O. Shahmaghsoudi
P.O. Box 5567
4400 Münster
W-Germany

Buch: Reinigung und Erleuchtung des Herzens
Autor: Molana-al-Moazam Hazrat Shah Maghsoud
Sadegh Angha „Pir Oveyssi“
geschrieben: 1978
23. Auflage: 1989

Reinigung und Erleuchtung des Herzens

Von: Molana-al-Moazam Hazrat Shah Maghsoud
Sadegh Angha „Pir Oveyssi“

Copyright © 1987 by M.T.O. SHAHMAGHSOUDI (Schule des islamischen Sufismus) ALLE RECHTE VORBEHALTEN – COPYRIGHT WELTWEIT. Kein Teil der Publikation darf in irgendeiner Absicht und Form reproduziert werden, ohne die ausdrückliche schriftliche Genehmigung des Copyright-Besitzers, dem Präsidenten von MAKTAB TARIGHAT OVEYSSI SHAHMAGHSOUDI.

Herausgeber:
M.T.O. SHAHMAGHSOUDI PUBLICATION CENTER
P.O. Box 209
Verdugo City CA 91046

*Molana-al-Moazam Hazrat
Shah Maghsoud Sadegh-
ibn-Mohammad Angha*

„Oveyssi“

Inhaltsverzeichnis

Deutscher Text	13
Englischer Text	30
Französischer Text	47
Arabischer Text	62
Persischer Text	73



Reinigung und Erleuchtung des Herzens

von
Molana-al-Moazam Hazrat
Shah Maghsoud Sadegh Angha

„Oveyssi“

